

خردسالان

دوست

سال پنجم

شماره ۲۵۱، پنجشنبه

۲۲ شهریور ۱۳۸۶

۳۰۰ تومان



دوست

مجله‌ی خردسالان ایران

به نام خداوند بفرستنده‌ی مهربان

صاحب امتیاز: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)

- | | | | | | |
|----|--|--------------------|----|--|-----------------|
| ۱۳ |  | خانه‌ی فیل | ۳ |  | با من بیا ... |
| ۱۸ |  | بزرگ‌تر یا کوچک‌تر | ۴ |  | وقتی جوجو برگشت |
| ۲۰ |  | قصه‌ی حیوانات | ۷ |  | نقاشی |
| ۲۲ |  | مادر من ... | ۸ |  | فرشته‌ها |
| ۲۴ |  | کاردستی | ۱۰ |  | قوقولی قوقو |
| ۲۵ |  | فرم اشتراک | ۱۱ |  | جدول |
| ۲۷ |  | ترانه‌های زندگی | ۱۲ |  | بازی |



پدر و مادر عزیز، مریبی گرامی

این مجموعه ویژه‌ی خردسالان طراحی شده است. علاوه بر جنبه‌های آموزشی، تفریحی و سرگرمی، افزایش مهارت‌های عملی خردسالان از اهداف اصلی آن است. بریدن، جدا کردن، رنگ آمیزی، حتی خط خنثی کردن و هر گونه فعالیت پیش‌بینی نشده از طرف کودک، می‌تواند به ایجاد ارتباط، اعتماد به نفس، شادی و رشد خلاقیت او کمک کند. او را در شیوه استفاده از مجله آزاد بگذاریم. تنها به عنوان پیشنهاد و راهنمایی در بعضی از صفحات مجله توضیحات کوتاهی درج شده است.

مدیر مسئول: مهدی ارکانی

- سردبیران: افسین اعلاء، مرجان کشاورزی آزاد
- تصویرگر: محمدحسین صلواتیان
- گرافیک و صفحه‌آرایی: مجتبی صلواتیان
- لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه چاپ و نشر عروج
- امور مشترکین: محمدرضا مولآزاده
- نشانی: تهران- خیابان انقلاب- چهار راه کالج، شماره ۹۶۲- نشر عروج
- تلفن: ۶۶۷-۱۲۹۷ و ۶۶۷-۶۸۳۳ شماره: ۶۶۷۱۲۲۱۱

بامنی بیا...



دوست من سلام.

من چغندر هستم.

همان که وقتی مرا می‌پزند اسمم لبو می‌شود!

من خیلی شیرین و خوش‌رنگ هستم.

همه‌ی چغندرها یک رنگ و یک شکل نیستند. عموی

من چغندر قند است. قندهای سفید و خوش‌مزهای که تو

با چای می‌خوری از چغندر قند درست شده‌اند.

امروز پیش تو آمده‌ام تا با هم دوست شویم و به

صفحه‌های رنگارنگ مجله سفر کنیم.

پس دست مرا بگیر و با من بیا ...





وقتی جو جو برگزینند

نزدیک فصل پاییز بود و باد تنیدی می وزید، ناگهان، باد، جو جو را از توی لانه اش برداشت و برد و انداخت لای علف ها. پرنده ی مادر، هر چه گشت جو جو کوچولو را پیدا نکرد.

اما پیشی خیلی زود او را پیدا کرد. پیشی می خواست جو جو را بخورد اما جو جو خیلی خیلی کوچولو بود. پیشی با خودش گفت: «این جو جو که مرا سیر نمی کند. از او مراقبت می کنم تا کمی بزرگ تر و چاق تر بشود، آن وقت او را می خورم.»

پیشی کنار جو جو نشست. جو جو سردش بود و می لرزید. پیشی او را نزدیک خود آورد. جو جو گرم شد و خوابش برد. کمی بعد، جو جو بیدار شد و جیک و جیک کرد. پیشی فهمید که جو جو گرسنه است. یک کرم گرفت و آن را گذاشت توی دهان جو جو. جو جو آن را خورد و دوباره کنار پیشی خوابید. پیشی به جو جو نگاه کرد. جو جو، هم خیلی کوچولو بود و هم خیلی ناز و قشنگ. پیشی احساس می کرد که جو جو را خیلی دوست دارد.

چند روز گذشت و جو جو هر روز زیباتر و بزرگ تر شد.





بال‌هایش پر از پرهای رنگی شد. حالا پیشی، جوجو را از همه چیز و همه کس بیشتر دوست داشت.

یک روز، پیشی پرنده‌هایی را دید که در آسمان پرواز می‌کردند. با خودش گفت که جوجو یک پرنده است و باید مثل پرنده‌های دیگر پرواز کند. برای همین هم جوجو را پشتش سوار کرد و از درخت بالا رفت. بالای بالا. بعد به جوجو گفت: «بال‌هایت را باز کن و مثل بقیه‌ی پرنده‌ها پرواز کن!»

جوجو می‌ترسید اما پیشی به او گفت: «هیچ وقت نترس. من همیشه مراقب تو هستم!» جوجو بال‌هایش را باز کرد و پرید. مثل بقیه‌ی پرنده‌ها. پیشی پرواز قشنگ او را تماشا کرد و با خودش گفت: «اگر جوجو پیش من برنگردد، چه کار کنم؟!»

اما جوجو برگشت و پیشی پیشی ماند. چون او

را خیلی خیلی دوست داشت. آن‌ها هنوز

هم در کنار هم، خوب و مهربان

زندگی می‌کنند.



نقاشی

دایره‌های سیاه ۱ تا ۱۰ را به هم وصل کن تا شکل کامل شود. آن را رنگ کن.

● ۹





فرشته‌ها

ماه رمضان از راه رسید. سحر آمد با صدای استکان‌های چای، وقتی که مادرم آن‌ها را آرام در سینی می‌گذاشت. وقتی پدر با صدایی آهسته دعا می‌خواند تا من از خواب بیدار نشوم.

ماه رمضان با سحر از راه رسید و من بیدار بودم. از بوی عطر نان بیدار شدم. از صدای دعای پدر بیدار شدم. من با بوسه‌ی فرشته‌ها بیدار شدم. من برای رفتن به مهمانی خدا بیدار شدم.





قوقولی قوقو

آمد عمویم
باز از زیارت
سوغاتی آورد
یک دانه ساعت

شکل خروس است
این ساعت او
میخواند آواز
قوقولی قوقو

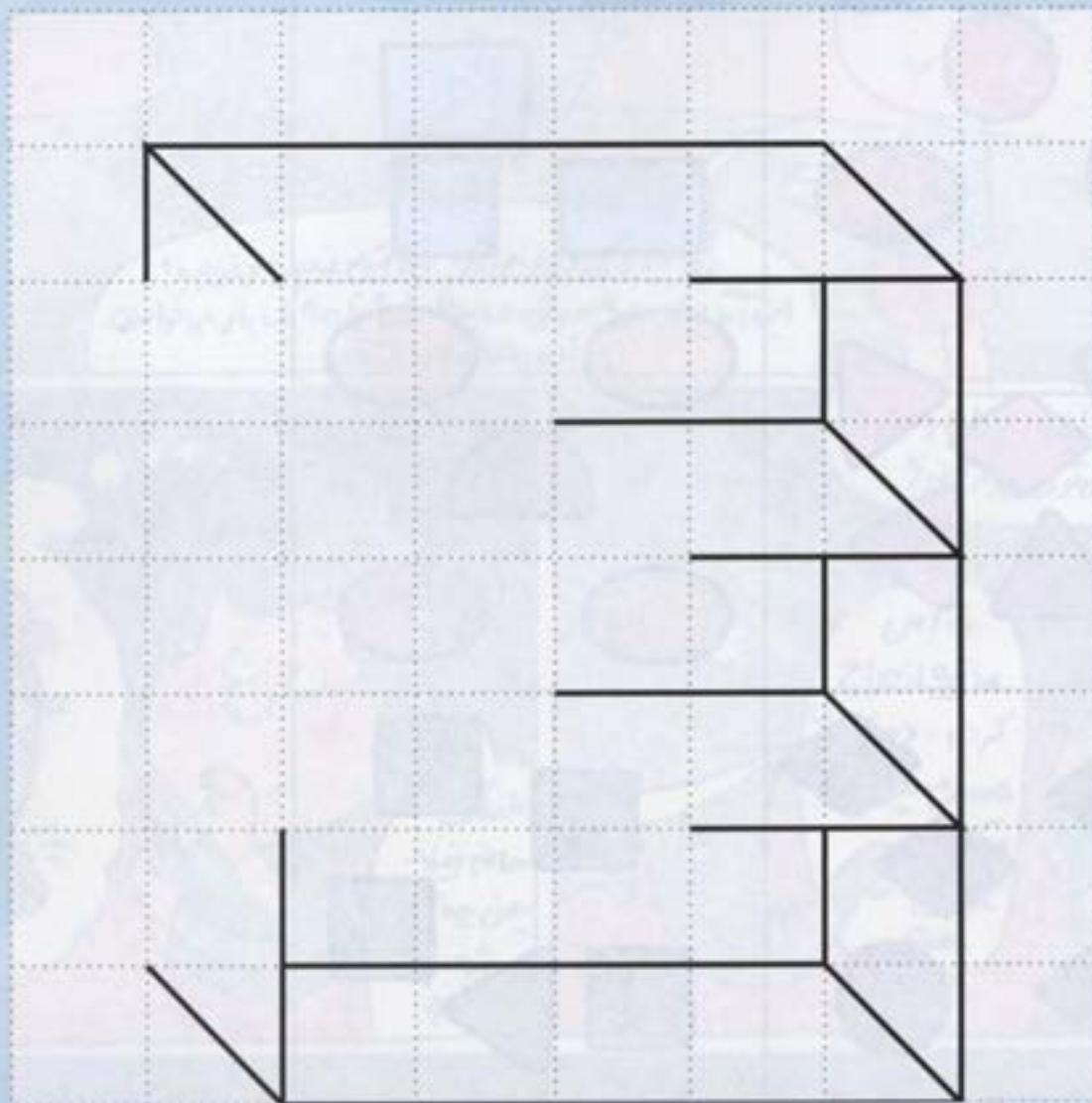
وقت سحر را
میداند انگار
امروز ما را
او کرد بیدار

خیلی صدایش
آرام و ناز است
میگفت: «پاشو
وقت نماز است»





جدول را کامل و رنگ کن.



در هر قسمت روی شکلی که
مثل بقیه نیست خط بزن.



بازی



آه!

نظاره کن کی داره می آد! آما فیل عجیب و غریب!
این آما فیله همه چیزش عجیب. مثلاً ناده یک بار می خواست
پرنده بشه و پرواز کنه!



طفلیک
خانم فیله.
یعنی چه کار
می شه بر اش
کرد؟



سلام آما فیله ، چرا ناراحتی ؟
چون نمونی پرواز کنی ؟

نه ! من
مدتیّه ازدواج
کردم . دست های
همسرم خیلی درد
می کنه .
نگرانش
هستم .



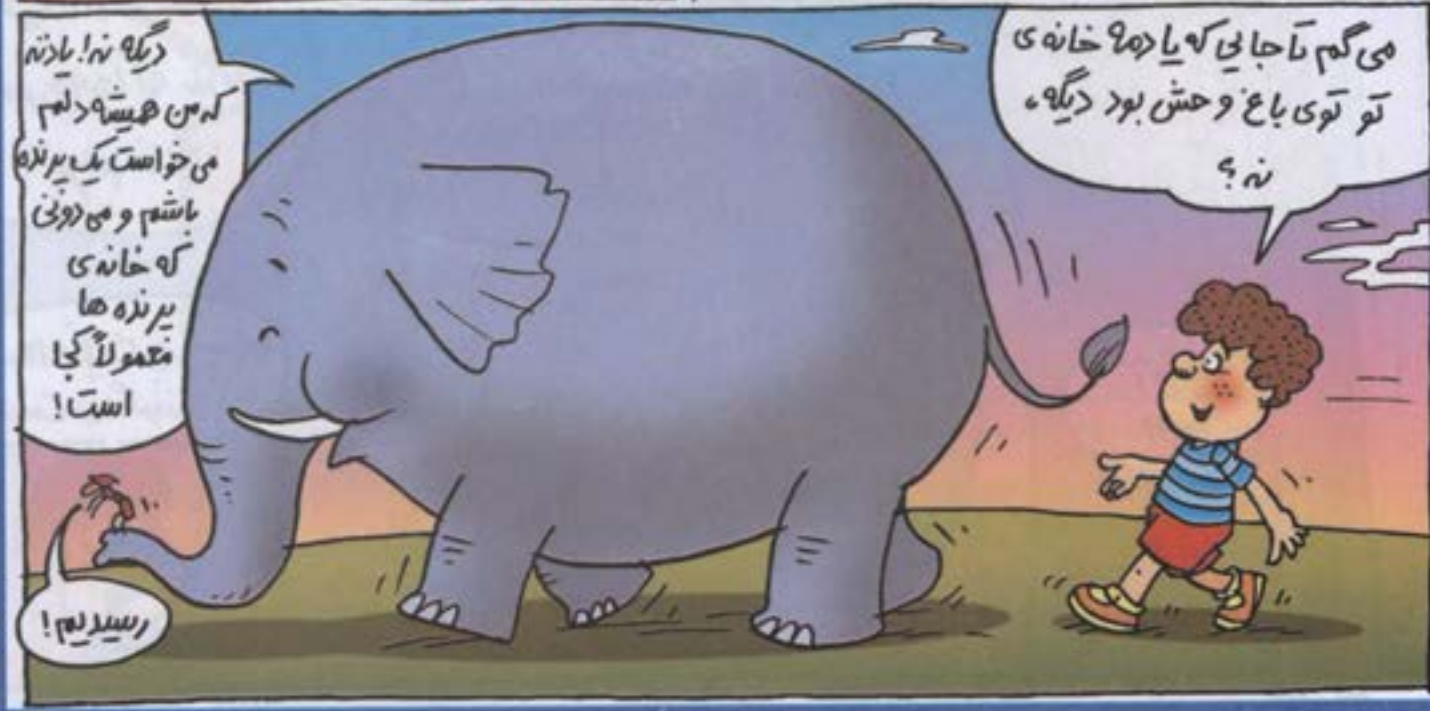


آفرین! حالا
که کمک کردی
ازت دعوت می‌کنم
امروز نهار بیای
خانه‌ی ما!

ممنونم، قبوله!
بریم



آخیش... دستت درد کنه جیغیل...
خیلی حالم بهتر شد!



دیگه نه! یادته
که من همیشه دلم
می‌خواست یک پرنده
باشم و می‌دونی
که خانه‌ی
پرنده‌ها
معمولاً کجا
است!

رسیدیم!

می‌گم تا جایی که یا دهه‌خانه‌ی
تو توی باغ و حش بود دیگه،
نه؟

چی؟ بالای «رخت زندگی می کنی؟!»

اما منی ها که
بلد نیستند از «رخت»
بالا بروند!



بفرمایید! اون بالا!



آخ!
اوی!

حالا فهمیدم چرا اسب چاره
دست در دگر گرفته!



اگر می‌خواهید خواهر یا برادر بزرگترتان به مجله‌های شما دست نزنند اشتراک دوست نوجوانان را برایش بگیرید



نام
نام خانوادگی
تاریخ تولد
تحصیلات
نشانی
کد پستی
تلفن
شروع اشتراک از شماره
تا شماره
امضاء

قابل توجه متقاضیان خارج از کشور
بهای یک شماره هفتگی دوست
خاور میانه (کشور های همجوار) ۱۰۰۰۰ ریال
اروپا، افریقا، ژاپن ۱۱۰۰۰ ریال
امریکا، کانادا، استرالیا ۱۲۵۰۰ ریال
بستگان هر یک از افراد ساکن در خارج از کشور
که در ایران سکونت دارند، می‌توانند مبلغ فوق را به
حساب اعلام شده واریز و سپس نشانی فرد خارج از
کشور را به امور مشترکان مجله دوست ارسال کنند.

بهای اشتراک تا پایان سال ۱۳۸۵ - هر ماه ۴
شماره - هر شماره ۲۷۵۰ ریال
مبلغ اشتراک را به حساب شماره ۵۲۵۲ بانک
صادرات میدان انقلاب کد ۷۶
به نام موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) واریز کنید
(قابل پرداخت در کلیه شعب بانک صادرات در
سراسر کشور)
فرم اشتراک را همراه با رسید بانکی به نشانی
تهران، خیابان انقلاب، چهار راه حافظ، پلاک ۹۶۲
امور مشترکان مجله دوست ارسال فرمایید.

مشترکین محترم استان اصفهان می‌توانند مبلغ اشتراک خود را به شماره حساب ۱۰۰۴-۱۰۱۱۸۷۵۰۱۰۱ قابل
پرداخت در کلیه شعب بانک ملی در ایران واریز کنند.
آدرس: اصفهان - خیابان شیخ بهایی - مقابل بیمارستان مهرگان - نمایندگی چاپ و نشر عروج -
تلفن: ۳۱۱۲۳۶۴۵۷۷
واحد اشتراک مجله دوست نوجوانان



با معرفی شخصیت‌های
داستان به کودکان از او
بخواهید در خواندن داستان
شما را همراهی کند.



گفشدوزک



میمون



شیر



موش



فیل

بزرگتر یا کوچکتر

یکی بود، یکی نبود. غیر از خدا هیچ کس نبود.



یک روز، میمون را دید که گوشه‌ای نشسته بود و فکر می‌کرد.



پرسید: «چی شده؟ به چی فکر می‌کنی؟»



گفت: «من خیلی کوچولو هستم. دلم

می‌خواهد بزرگ باشم. مثل تو که بزرگ هستی.»





گفت: «خب تو هم بزرگ

هستی!




خندید و گفت: «من یک کوچولو هستم.»



گفت: «تو از

بزرگ‌تر هستی. من از تو بزرگ‌تر هستم ولی از  کوچک‌ترم. حتی 


هم که خیلی بزرگ است از  کوچک‌تر است. حالا فکر کن که اگر 

تو یک  بزرگ بزرگ بودی، حتی بزرگ‌تر از من و  و ! کجا



می‌خواستی زندگی کنی؟!  خندید و گفت: «توی یک سوراخ بزرگ بزرگ در

یک کوه بزرگ بزرگ!»

خندید و گفت: «آن وقت هیچ‌کس جرأت نمی‌کرد به تو نزدیک شود و 

با تو دوست شود!»  خندید و گفت: «من یک  کوچولو هستم ولی

از  بزرگ‌ترم و بایک  بزرگ و عاقل و مهربان هم دوست هستم!»

هر دو خندیدند و رفتند سراغ بازی!  و 

قصه‌ی نیوانت



۲

اما نتوانست ماهی بگیرد.



۱

خرس قهوه‌ای خیلی دلش می‌خواست ماهی بگیرد. برای همین هم به رودخانه رفت.



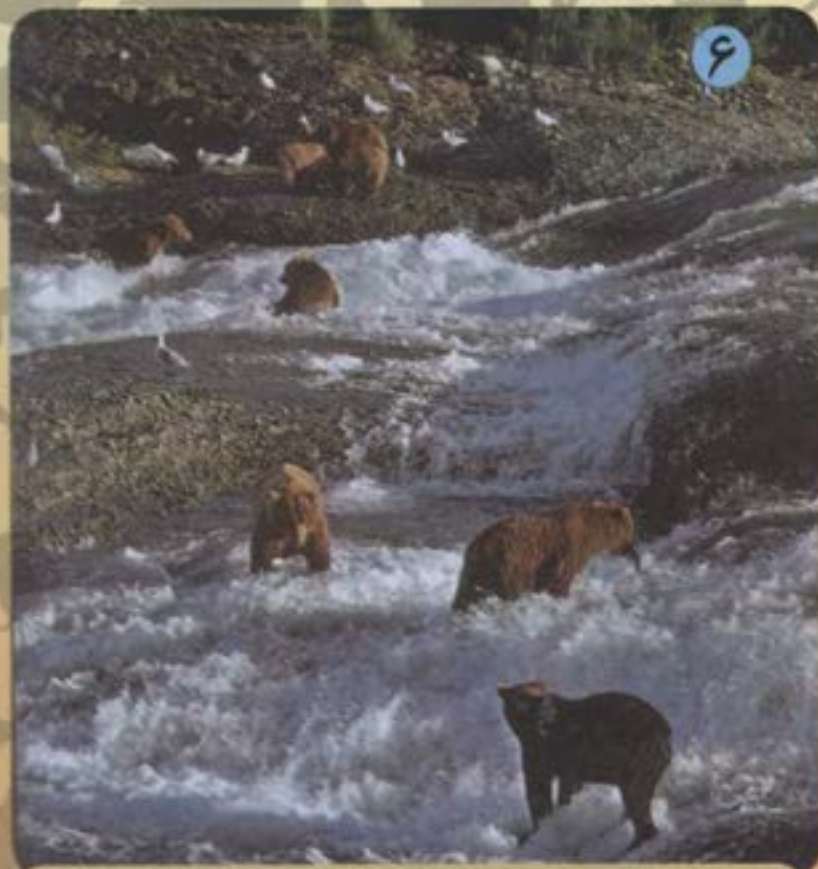
۴

خرس قهوه‌ای از خستگی روی سنگ، وسط رودخانه به خواب رفت.



۳

باز هم سعی کرد اما بی‌فایده بود. او نمی‌توانست ماهی بگیرد.



۶

خرس قهوه‌ای به پایین رودخانه رفت. آنجا پر از
خرس و ماهی و پرنده بود!



۵

مرغ ماهی‌خوار او را بیدار کرد و گفت: «
برای گرفتن ماهی به پایین رودخانه بیا!»



۷

او بالاخره یک ماهی گرفت،
یک ماهی بزرگ و خوش مزه.

مادر من...



مادر من تصویرگر کتاب کودک است. او برای کتاب‌های
کودکان نقاشی می‌کشد. بعضی وقت‌ها مادرم قصه‌ای را
برای من می‌خواند، آن وقت هر دو با هم برای آن نقاشی
می‌کشیم.

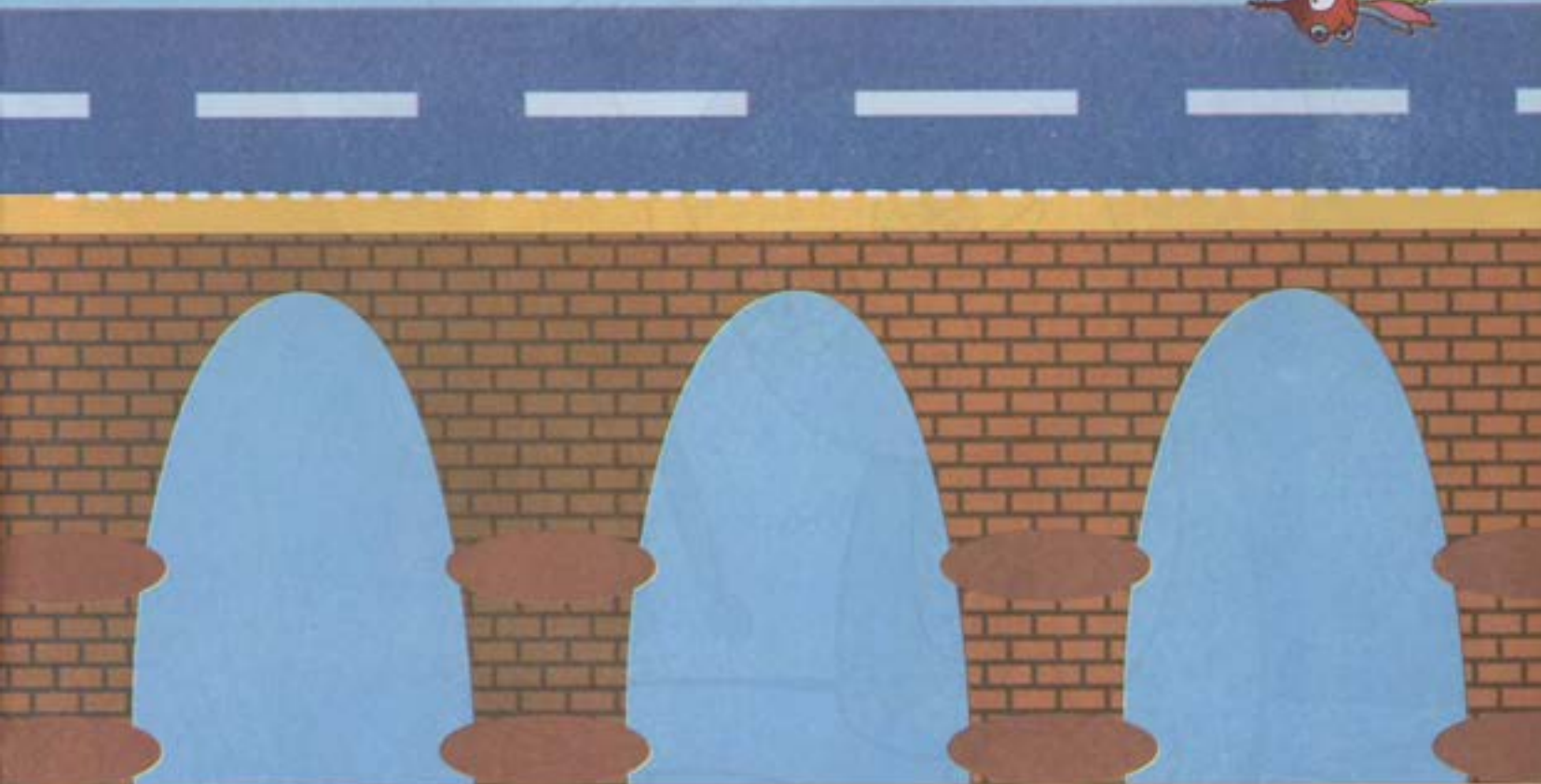
مادرم نقاشی‌های مرا خیلی دوست دارد. او می‌گوید که
بچه‌ها بهترین نقاش‌های دنیا هستند!
اما من می‌گویم: «مادرم بهترین نقاش دنیا است. چون
برای بچه‌ها نقاشی می‌کشد!»





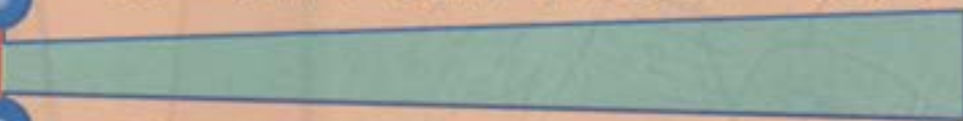


کار دستنی



شکل‌ها را از روی خط (آبی) قیچی کنید.
قسمت نقطه چین را یک شکاف بده.

اگر ماشین را در شکاف قرار بدهی می‌توانی آن را روی پل جلو و عقب برانی. مراقب باش تند نروی!



خردسالان

دوست

بهای اشتراک تا پایان سال ۱۳۸۶

هرماه چهار شماره، هر شماره ۳۲۵۰ ریال

مبلغ اشتراک را به حساب جاری شماره‌ی ۵۲۵۲ بانک صادرات شعبه‌ی انقلاب کد ۷۶

به نام مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) واریز کنید.

(قابل پرداخت در کلیه‌ی شعب بانک صادرات در سراسر کشور)

فرم اشتراک را همراه با رسید بانکی به نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، چهارراه کالج،

فروشگاه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) شماره ۹۶۲ امور مشترکان محله دوست خردسالان ارسال فرمایید.

مشترکین محترم استان اصفهان می‌توانند مبلغ اشتراک خود را به شماره حساب ۰۱۰۱۱۸۷۵-۱۰۰۳

قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی در ایران واریز فرمایند.

آدرس: اصفهان، خیابان شیخ بهایی، مقابل بیمارستان مهرگان، نمایندگی چاپ و نشر عروج تلفن: ۳۳۴۴۵۷۷

نظرات و پیشنهادات خود را در ارتباط با اشتراک و نحوه‌ی ارسال مجلات با شماره تلفن ۰۲۱۶۶۷۰۶۸۳۳ درمیان بگذارید

فرم اشتراک

نام:

نام خانوادگی:

تاریخ تولد: / / ۱۳ تحصیلات:

نشانی:

کد پستی:

تلفن:

شروع اشتراک از شماره: تا شماره:

امضا:



نشانی فرستنده:

جای تمیز

نشانی گیرنده

نشانی گیرنده:

تهران - خیابان انقلاب اسلامی، چهار راه کالج، فروشگاه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)
شماره ۹۶۲ امور مشترکان مجله هفتگی دوست خردسالان



ترانه‌های زندگی

مصطفی رحماندوست

بچه‌ی ورپریده

دستش رو با تیغ بریده

تیغ بوده یا کارد بوده، چاقو بوده

هر چی بوده، کار خود او بوده

دستش رو ببین که اوف شده، وای وای

گریه و زاری می‌کنه، های های

جایی که بریده خون می‌آد

وای چه خونی! خیلی زیاده!

یکی بره زود زنگ بزنه، که دیره

یه آمبولانس خبر کنیم، نمیره!



